

در معبر تکلیف

زندگینامهٔ بی‌سابقهٔ حاج محمد رضا حیدری نسب

به کوشش: رضا گل محمودی

سرشناسه: گل محمودی، رضا، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: در معبر تکلیف: زندگی‌نامه بسیجی بیدار، حاج محمدرضا حیدری نسب/ نگارش رضا گل محمودی.

مشخصات نشر: قم: بین‌الحرمین، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۰۲ ص.: مصور (بخشی رنگی). : ۱۴/۵×۱۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۲۹-۴۷-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: زندگی‌نامه بسیجی بیدار، حاج محمدرضا حیدری نسب.

موضوع: حیدری نسب محمدرضا، ۱۳۴۰ -

موضوع: ایران - زابل - خاطرات

موضوع: War participants -- Iran -- Zabol -- Diaries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- خاطرات

موضوع: -- Personal narratives ۱۹۸۸-۱۹۸۰-Iraq War

رده بندی کنگره: ۲۹۵DS ج ۸۶ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۶۳۰۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۱

تجربه و تنظیم این اثر اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان سیستان و بلوچستان

در معبر تکلیف

به کوشش: رضا گل محمودی

ویراستار: محمدرضا سعید

ناشر: بین‌الحرمین

صفحه آرا: علی صوفیانی

مشاوره: مهدی باقری

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۶

چاپ: وفا

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۲۹-۴۷-۱

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

حق چاپ اثر برای اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان سیستان و بلوچستان محفوظ می باشد

باسمه تعالی

کتاب دروازه ای به سوی گستره ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است.

حضرت آیت الله العظمی (مد ظله العالی)

در شرایط امروز اجتماع ما و طوفان ایجاد شده توسط دنیای مجازی که همه آحاد جامعه را مجذوب خود کرده و تشخیص راه درست را دشوار نموده است، مکتوبات تولید شده از سیره و بیانات شهدا و همچنین خاطرات آزادگان و ایثارگران، ذخیره ارزشمندی است که در شرایط امروزی بیش از هر زمان دیگر مورد نیاز است و حال آنکه دریافت علوم واقعی، کلمات نورانی معنوی و نمونه های عملی جهاد و همچنین علوم تجربی که با سختی ممکن و میسر شده است و حتی اگر کسی بخواهد به آنها دستیابی داشته باشد محدودیت هایی در مقابل او قرار دارد.

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس علیرغم مساعیات متعدد و فعالیت های متفاوتی که در حوزه های گوناگون فرهنگی به عهده دارد، تدوین و چاپ کتاب های متناسب به شهدا، آزادگان و ایثارگران با محوریت ثبت اسناد تاریخی و اشاعه فرهنگ ارزشی دفاع مقدس را بسیار مغتنم شمرده و بطور خاص به آن نگاه می کند.

کتاب پیشرو که برگرفته از زندگینامه یکی از بسیجیان بزرگوار خطه ولایتمدار سیستان می باشد که مطالب و محتویات آن گزیده ای از فرهنگ و

آداب اصیل سیستانی و چگونگی بارور شدن درخت انقلاب در این گوشه از میهن
اسلامی و خاطرات و سختی های جنگ تحمیلی می باشد که امید است مطالعه
آن بر تعمیق و گسترش فضای معنوی برای همگان مفید باشد.
و در پایان برای کلیه عزیزانی که در پدید آوردن این اثر تلاش و مساعدتی
داشته اند آرزوی توفیق روزافزون می نماید.

و من الله التوفیق

سرتیب دوم پاسدار غلام نبی کوهکن

اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

استان سیستان و بلوچستان

www.ketab.ir

فهرست مطالب

فصل اول زمینه خانواده‌گی دوران کودکی، دبستان و راهنمایی

۱۳	مقدمه
۱۶	آغاز گفتگو با حاج حیدری نسب
۱۸	ازدواج پدر و مادر
۲۰	نان ذرت
۲۱	شیوه آموزش مکتب خانه های قدیم
۲۳	جشن ختم «الشمس»
۲۷	ایثار پدر در حق برادر
۲۸	چگونگی شهادت پدر

فصل دوم از دوران دبیرستان و دانشسرا تا پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی

۳۵	دوران دبیرستان و دانشسرا
۳۶	مملکت داری بدون شاه نمی شود
۴۳	عوامل خبری شهید در مراکز امنیتی طاغوت
۴۴	شیوه دریافت اعلامیه ها

فصل سوم نقش آفرینی در دفاع مقدس

۵۵	دفاع مقدس
۶۱	شب سوم فروردین سال ۶۱
۷۱	تقوا درد سر ایجاد کرده است
۷۲	امداد غیبی

۷۲		عملیات والفجر مقدماتی
۷۳		اتوبوسهای تک صندلی
۷۴		شام غریبان
۷۵		آزمون تربیت مدرس
۷۶		مهر ۶۲ و آغاز سال تحصیلی
۷۸		حضور مجدد در جبهه
۷۸		پل خیبر
۸۵		قای چهل تخمی
۹۱		غدای گرم
۹۲		جهاد بری خوروی پیکان
۹۴		هور العظیم، بهر ۴ قبل از عملیات والفجر ۸
۹۸		موش کور
۹۸		مقدمات عملیات والفجر هشت
۱۰۰		آغاز عملیات والفجر هشت (صبح فو) ۱۳۶۴/۱۱/۲۰
۱۰۰		خبر دادن از آینده
۱۰۵		استجابات دعای رزمندگان
۱۰۷		تاریخچه شکل گیری یگانهای رزم استان و شهرستانی در لشکر ثارالله
۱۰۸		تایخ تشکیل گردان ۴۰۹ حمزه سیدالشهدا
۱۰۹		تاریخچه تشکیل گردان ۴۰۵
۱۱۰		گردان وحدت و تاریخ تشکیل آن
۱۱۰		دفاع متحرک عراق
۱۱۵		برو بزرگترت را بباور
۱۱۵		کاخی در مقابل کوخ
۱۱۶		آغاز عملیات کربلای یک، منطقه مهران ۱۳۶۵/۴/۱۰
۱۲۱		مقدمات کربلای چهار
۱۲۳		حکایتی طنز گونه
۱۲۴		تا همینجا بس است

۱۲۷	 گاو نه من شیر
۱۲۸	 مقدمات عملیات کربلای پنج
۱۳۶	 لحظه شهادت سردار
۱۴۷	 تدارک عملیات والفجر ده
۱۵۲	 من هم تو را نمی شناسم
۱۵۴	 برگشت به زابل
۱۵۶	 آسیب شناسی
۱۵۷	 آرامش قبل از طوفان
۱۶۳	 شما کی و کجا شهید شدید؟
۱۶۳	 مسئولیت جدید
۱۶۵	 زمینه سازی بیان پذیرش آتشبس
فصل چهارم پس از جنگ	
۱۷۱	 پس از جنگ
۱۷۳	 کبوتران رهاشده از بند
۱۷۴	 مسئولیت مدارس رستگاران
۱۷۶	 مسئولیت اوقاف استان
۱۷۷	 حرب فجار
۱۷۷	 اولین حج تمتع
۱۸۰	 مسجد ابوالفضل
۱۸۱	 مسئولیت امور فرهنگی دفتر امام جمعه زاهدان
۱۸۴	 مستبصرین استان
۱۸۵	 فرزندان
۱۸۶	 خاتمه
۱۸۸	 ضمایم و تعلیقات
۱۹۳	 تصاویر

مقدمه

کتاب حاضر روایتی است؛ از زندگی بسیجی بصیر و بیدار و آگاه به زمان، حاج محمدرضا حیدری نسب، که در هر برهه با درست اندیشیدن و فهم دقیق شرایط و بینش سیاسی بالا و تشخیص صواب از ناصواب، توانسته است؛ وظیفه و تکلیف خویش را به درستی معین سازد. مرد بیداری که در نوجوانی بار سنگین مسئولیت ادارهٔ خانواده‌ای پرجمعیت بر دوشش گذاشته شد و مثل یک انسان باتجربه، کارگشته و جالانده توانست، این مسئولیت را به نحو احسن به انجام برساند.

ایشان نه تنها خویش را به‌دب و مبصر ساخته، بلکه با استعانت از ذات حق و ذوات معصومین علیهم‌السلام در همان سالهای نوجوانی در نقش و جایگاه یک مربی بیدار، هشیار و آگاه به زمان چون یک روحانی وارسته، یک معلم دل‌سوز، با همکاری مادری فداکار، توانست پنج برادر، خردسال را چنان درست، به‌جا و بسیار خوب و شایسته تربیت کند که از هر کدام‌شان یک انسان فرهیخته، یک دکتر، یک استاد دانشگاه یا یک نایب نظامی بسر می‌رفت، به جامعه تحویل دهد.

او که از کودکی راز و رمز تعلیم و تعلم را در قرآن مجید یافت؛ ابتدا خویش و سپس برادران و آنگاه همسایگان و حتی نوجوانان روبروهای مجاور را با چشمهٔ نورانی قرآن مبین آشنا ساخت. عمر و جوانی‌اش را ایثارگرانه وقف تعلیم دیگران کرد. ده‌ها جوان را به حوزهٔ علمیه وصل کرد. با شروع جنگ جهانی، از میان دانش‌آموزانش و جوانان سیستانی صدها مجاهد مخلص، راهی جبهه‌های نبرد ساخت. خود دوش به دوش سرداران حماسه‌ساز ماندگار عرصه‌های نبرد، نستوهی و شجاعت در معرکه‌های هولناک جنگ را تجربه کرد.

معلم بصیری که به جرأت می‌توان گفت؛ در بیشتر عملیاتهای راهبردی شرکت فعال داشت. ماهها در جنوب، فاو و هورالعظیم، سنگر نشین بیدار بر روی

آب بود. با انواع جانوران موذی مواجه و نغمهٔ موزون و گوش‌نوازش، صدای انواع موشکها و خمپاره و توپهای دشمن بود. ماهها در هوای فوق‌العاده گرم جنوب، سنگرنشین خط مقدم بوده. چه شبها و روزها که در برف و بوران، کوه‌پیمای سخره‌های نستوه و مقاوم کردستان و مرزنشین قلاویزان و دزلی و کردستان عراق و ... بوده است. بارها مجروح گشته است. مدتها بر اثر گازهای شیمیایی دشمن در جزایر مجنون (خیبر) چشمانش جایی را نمی‌دیده؛ شب و روزش به تابانی سلمانی دل سیاه ستمگران بوده است. از امواج اروند و جزر و مد آن برای خویش معراج دبار عروج به سوی الله ساخته است. شبهای زیادی چشم بیدار و دیده‌بان نزیب محافظت و حراست از آبرو، عزت و شرف ملت ایران در آن سوی مرزها بود. بارها و بارها روزهای مدید، معابر باریک و شیارهای کم عمق هم مرز خطر را در مناطق مختلف عملیاتی بویژه شلمچه پیمود. چه شبها که همین شیارهای کم عمق جان پاش گشت؛ اما این رهنورد سپیده، تاریکی را به بلندای فجر پیوند زد. این سنگرنشین بیدار، مدام وظیفه‌اش را در اطاعت از امر ولی فقیه دانست و عمر خویش را وقف سربازی در رکاب ولایت بودن قرار داد. در بحرانه‌های سخت جنگ حضور مداوم داشت که برای وی ره‌آورد سی و چهار ماه حضور مفید و مؤثر در مناطق جنگی، آثار شیمیایی مجروحیتی است که هنوز با خود دارد.

بارها رزمندهٔ قرار گرفته در کنارش، با ترکش خمپاره و مینهای دشمن، تکه تکه گشته و خون و گوشت وی بر صورت و بدن ایشان پاشیده شد. کراهِ سینه به سینه و هم‌آغوش شهادت پیش رفته؛ اما به قول خودش، ترکش‌ها برای او مأموریتی نداشتند. دو برادرش، یکی روحانی و دیگری استاد دانشگاه، بدون هیچ گونه خبر و اثری، سال‌ها طعم اسارت در زندانهای بغداد و دیگر اردوگاه‌های عراق را چشیده‌اند و خود صبورانه مدرسان خانواده‌شان بوده است.

پس از جنگ تحمیلی نیز با همان بصارت و تیزی، بهترین مسیر خدمت به مردم را برگزید. با مسئولیت دبستان شاهد، خدمت‌گزار فرزندان دوستان شهیدش گشت. در مقام مسئولیت ادراء اوقاف استان به موقوفات سروسامان داد. سرانجام سه سال پایانی عمر خدمت فرهنگی‌اش را به زعامت آموزش و پرورش شهرستان نیمروز اشتغال داشت و خدمات ماندگاری را بویژه در عرصه عمران و آبادی مدارس انجام داد و صدقه جاریه‌ای از خود به یادگار گذاشت.

ایشان با ساخت مسجد و حوزه علمیه، پایگاه آموختن علم دین، صدقه جاریه خویش را تکمیل کرد. با کمک به مستبصرین مسیر بسیار دشوار آنان را هموارتر کرد. از همه مهمتر آن که هنوز که هنوز است لباس رزم از تن در نیاورده، هیچ کار عام‌المنفعه‌ای نیست که ایشان دستی بر آتش آن نداشته باشد. هر پنج فرزندش را راهی حوزه‌های عالی ساخته و پس از آن به مدارج عالی علمی سیر داده است.

آیا روا نیست؛ سر تعظیم بر آستان منبع حین معلم فداکاری فرود آورد که از خودگذشتگی‌های ماندگارش در تعلیم و تربیت، جهاد و حماسه، ایثار و تیزی، بصیرت و ولایت‌مداری و اطاعت محض از ولی فقیه، وی را الگوی تمامی بسیجیان سیستم ساخته و در عمل به تکلیف و فداکاری سرآمد روزگار خویش، قرارش داد. خدایش در این جهان به کار خیر، بیش از این مرفق کند و در آخرت همراه یاران مجاهد شهیدش، مورد خطاب حضرت حق، در شهر مخاطبین «یا ایته‌النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه...» سکنا یابد.

آمین

رضا گل محمودی

بهار ۹۶